

# معلولیت

## محرومیت

### نیست

● مریم افصلی

بچه‌ها تطبیق داد. اما به این نتیجه رسید که بهترین مکان می‌تواند هیأت ورزشی جانبازان و معلولین باشد.

با آقای رحمانی رییس مؤسسه صحبت کرد. ایشان نیز با گشاده رویی از این تصمیم استقبال کردند. مانده بود انتخاب دانش‌آموز. روزهای سختی در پیش رو داشت.

کنترل دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در آب، پذیرش مسوولیت و جلوگیری از هرگونه سانحه مواردی نبود که بتوان به سادگی از کنار آنها گذشت. با خود گفت «توکل به خدا می‌کنم، باید دل به دریا زد.» آنقدر در تب و تاب انجام مراحل و ردیف کردن کارها بود که متوجه نشد چقدر طول کشید تا خود را با ۷ نفر از دانش‌آموزان جلوی در استخر امجدیه یافت. فقط می‌دانست اولین روز اسفند سال ۸۰ بود

گروه او را «مجید کرم‌زاده دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی، حامد خسروی، اسماعیل فرجیان و رضا محمدی دانش‌آموزان کلاس پنجم و اسماعیل محمدی، یوسف حمیدی و بهرام بازرگان دانش‌آموزان کلاس چهارم تشکیل می‌دادند. قرار شده بود هفته‌ای سه روز در روزهای فرد از ساعت ۴ الی ۵ بعد از ظهر تمرین کنند. روزهای اول بسیار

کند و دیر می‌گذشت. بچه‌ها نمی‌توانستند با آموزش جدید ارتباط برقرار کنند اما باز هم ادامه داد. تا اینکه پس از گذشت تقریباً یک سال بچه‌ها توانستند بسیاری از تکنیک‌های شنا را بیاموزند. حالا دیگر ۴ نفر آنان کراال سینه و سه نفر دیگر علاوه بر کراال سینه، کراال پشت را نیز

آموخته بودند. همگی آنان مراحل تکنیک شنا را که عبارت بود از آشنایی با آب، جهش در آب، فرو رفتن به زیر آب، شناور شدن، سر خوردن، پای کراال سینه و دست کراال سینه را به خوبی سپری کرده بودند. حالا دیگر نوبت آقای نصیری بود که سری بالا بگیرد و به مخالفین خود بگوید که ما

- واقعاً فکر می‌کنی این کار نتیجه‌ای هم دارد؟

- من فکر می‌کنم زحمت اضافی می‌کشی!

- آخه بچه‌های کم‌توان ذهنی که حتی از نظر تعادل و فیزیک جسمانی هم دچار اختلال هستن چطور می‌تونن شنا کنن. انرژی تو بذار روی به چیز دیگه.

- بیکاری‌ها، مگه ما چقدر حقوق می‌گیریم که این همه بابتش زحمت بکشیم؟!

حرف‌های همکاران مثل پتک روی سر او کوبیده می‌شد، اما تصمیم خود را گرفته بود، رو کرد به بقیه و گفت:

«نه فکر نمی‌کنم. مطمئنم که این کار عملیه، شاید زحمت زیادی داشته باشه اما به امتحانش میرزه. فکرش رو بکنید، شنا و آب حتی برای افراد عادی هم کلی شادی آور و آرامش بخشه چه برسه به بچه‌های کم‌توان ذهنی. اصلاً حتی اگه یاد هم نگیرن همینکه بدنشون رو به امواج آب بسپارن، می‌تونه خیلی براشون مفید و جالب باشه.»

او تصمیم خود را گرفته بود می‌خواست به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی شنا یاد بدهد. آقای جلیل نصیری مقدم با اینکه می‌دانست مسوولیت سنگینی را قبول کرده و شاید اصلاً ولی نه! باید تلاش می‌کرد مگر نه اینکه آموزش به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی امکان پذیر است، پس براین باور بود که ورزش هم نمی‌تواند چیزی جدای از آموزش باشد.

با خاتم مهدیخانلو مدیر مدرسه صحبت کرد. او هم کمی مردد بود، اما نمی‌خواست این فرصت را از مریم ورزش مدرسه خود بگیرد. مریم که با عشق و امید حرکت می‌کرد و ناامیدی در زندگی و کار او جایی نداشت. مانده بود استخر و امکانات شنا. محل‌های زیادی را از نظر گذراند و امکانات آن جا را با شرایط





موفق شدیم « معلولیت محرومیت نیست»، فکری به خاطرش رسیده بود. بله، بهترین راه همین است «مسابقه»، باید همه ببینند که بچه‌ها توانسته‌اند به جایی برسند که در یک مسابقه رسمی شرکت کنند.

پیشنهاد خود را با آقای رحمانی و خانم مهدیخانلو در میان گذاشت و مثل همیشه با استقبال گرم آنان رو به رو شد. تصمیم بر آن شد که این مسابقه در آذر ماه ۸۱ در حضور اولیا دانش آموزان، اعضای انجمن اولیا و مربیان، کارشناسان اداره آموزش و پرورش استثنایی و اداره تربیت بدنی زنجان برگزار شود. با خودش فکر کرد که برای خانواده‌های این بچه‌ها چقدر لذت بخش است که می‌توانند شاهد موفقیت کودکان خود باشند. بچه‌هایی که شاید به نظر نرسد که می‌توانند باعث افتخار باشند و تصور اینکه گروه او می‌توانند با سربلندی فریاد بزنند که ما توانسته‌ایم، آنقدر برای او جذاب بود که خستگی یک ساله را از تنش بیرون می‌آورد. روز مسابقه فرارسید. همه با دلهره و نایابوری نگاه می‌کردند. مهمه عجیبی فضا را پر کرده بود. آقای نصیری مثل همیشه مصمم و با اراده به بچه‌ها توصیه‌های

آخر را می‌کرد. اما در دلش هیاهوی عجیبی برپا بود. سوت آغاز زده شد. بچه‌ها در مقابل چشمان نگران و بهت زده تماشاچیان داخل آب پریدند. مسابقه کاملاً رسمی بود. بدون در نظر گرفتن اینکه، آنان شرایط خاص خود را دارند. بچه‌ها تلاش می‌کردند و آب را با حرکات دست و پای خود کنار می‌زدند. پدر و مادر آنها با اشتیاق نگاه می‌کردند و دوست داشتند پایان نتیجه را زودتر ببینند. چه کسی برنده می‌شود؟

اولین کسی که به خط پایان رسید حامد بود (حامد خسروی). بعد «مجید کرم‌زاده» و سومین نفر اسماعیل فرجیان. اشک شوق در چشمان پدر و مادر آنان درخشید. نمی‌دانستند چه بگویند فقط آنها را در آغوش گرفتند. همه با تعجب نگاه می‌کردند و از ته دل آنان را تشویق می‌نمودند. حالا این آقای جلیل نصیری مقدم مربی ورزش دبستان دانش بود که سرخود را بالا گرفته بود و با شادی نتیجه کار خود را در معرض قضاوت گذاشته بود و از اعماق وجودش با زبان نگاه فریاد می‌زد «معلول به همیاری نیاز دارد نه ترحم».



## مسابقه از محتوای ۱۰ مجلد نشریه تعلیم و تربیت استثنایی

به منظور برقراری ارتباط بیشتر با خوانندگان عزیز و ایجاد انگیزه و ترغیب به مطالعه دقیق تر محتوای نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، مسابقه غیر حضوری از محتوای ۱۰ نسخه نشریه (شماره های ۱۳ الی ۲۷) برگزار می شود. علاقه مندان می توانند ضمن تکمیل پاسخنامه مربوط و درج مشخصات و نشانی کامل خویش و ارسال آن به دفتر نشریه در این مسابقه شرکت نمایند. مهلت ارسال پاسخنامه، حداکثر تا تاریخ ۸۳۴/۱۵ می باشد. پاسخنامه هایی که بعد از آن تاریخ ارسال شوند، در مسابقه شرکت داده نخواهند شد. به پانزده نفر از شرکت کنندگانی که بالاترین امتیاز را کسب نمایند هر کدام یک سکه تمام بهار آزادی اهدا خواهد شد. در صورتی که تعداد افراد با امتیاز کامل بیشتر باشد از میان آنان به قید قرعه برگزیدگان انتخاب خواهند شد. نتایج مسابقه در شماره های آتی نشریه درج خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

نشانی دفتر نشریه:  
تهران، خیابان انقلاب، خیابان برادران شهید مظفر، پلاک ۳۴، سازمان آموزش و پرورش استثنایی  
کدپستی: ۱۴۱۶۹۳۱۱۳۷  
صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۳۳۳۴  
تلفن: ۶۹۵۳۲۹۳  
نمابر: ۶۴۹۲۳۲۸





برگه پاسخنامه مسابقه غیر حضوری از مطالب نشریه تعلیم و تربیت استثنایی  
شماره‌های ۱۳ الی ۲۶ و ۲۷

۵۴

شماره	الف	ب	ج	د
۵۱				
۵۲				
۵۳				
۵۴				
۵۵				
۵۶				
۵۷				
۵۸				
۵۹				
۶۰				
۶۱				
۶۲				
۶۳				
۶۴				
۶۵				
۶۶				
۶۷				
۶۸				
۶۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷۴				
۷۵				
۷۶				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸۴				
۸۵				
۸۶				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹۴				
۹۵				
۹۶				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

شماره	الف	ب	ج	د
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳۴				
۳۵				
۳۶				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
۴۰				
۴۱				
۴۲				
۴۳				
۴۴				
۴۵				
۴۶				
۴۷				
۴۸				
۴۹				
۵۰				

نام مرکز آموزشی:

شغل:

نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات:

پلاک:

کوچه:

خیابان:

شهرستان:

استان:

نشانی دقیق:

شماره تلفن:

کد پستی:

تعداد پاسخ‌های صحیح	
تعداد پاسخ‌های غلط	
جمع امتیاز	

